



عکس مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شهید حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) از ستارگان شهدای اسفندماه‌ی بود

یادی از فرماندهان شهید اسفند ماهی در دوران دفاع مقدس

استقبال سرخ از بهار

مرجان قندی
خبرنگار

این روزها که دفتر زمستان را آرام آرام ورق می‌زنیم به‌نام دلاورمردانی می‌رسیم که در ماه پایانی زمستان - اسفند - به شوق قرب محبوب تا اوج شهادت پرکشیدند و خاطرانشان با ابدیت پیوند خورده است. آن‌ها برای عروج سراز پا نمی‌شناختند و به عشق معنا و مفهوم تازه‌ای بخشیدند. شهادتی که خاص و هنر مردان خداست. مردانی که مرگ را به بازی گرفته بودند و از چیزی هراس نداشتند. سرسلسله شهیدان آستانه بهار، حجت‌الاسلام عبدالله میمنی است، همان که در کنار تحصیل و تبلیغ معارف دین در عمل به یاری مدافعان میهن شافت تا با حضور در میان نیروهای سپاهی، بسیجی و ارتشی، شمع محفل

رزمندگان و مایه قوت قلب آنان باشد. وی از همان روزهای اول جنگ در کنار خاکی پوشان بسیجی ایستاد و شهادت برادرش مقابل دیدگانش نیز ذره‌ای خلل در اراده‌اش به‌وجود نیاورد تا آنکه در اول اسفند ۱۳۶۴ رخت شهادت بر قامتش پوشانده شد. پس از اوصاف عارفان به حق و عاشقان جده‌الله به نوبت طریق شهادت را طی کردند تا در جوار رب محبوب آرام گیرند. پیشانی بلندانی در کسوت فرمانده ولی پیشتاز در صف شهادت همچون؛ علیرضا فوروزش، مسئول تعاون لشکر ۲۷/علی نورانلو، جانشین گردان مسلم بن عقیل / سعید(محمود) خدائی، جانشین فرمانده گردان کمیل/محمد نیک بین، جانشین فرمانده گردان کمیل/ مرتضی ابراهیم ولوجردی، مسئول عقیدتی لشکر ۲۷/ داوود قادری، جانشین گردان ابودر/هاشم

کلهو، جانشین فرمانده گردان مقداد/حسن زمانی، فرمانده گردان حمزه/محمد رضا کارور، فرمانده گردان مالک اشتر/اسدالله پازوکی، مسئول آموزشگاه نظامی لشکر ۲۷/حسین ثامننی، خبرنگار/علی صبوری، مسئول واحد مهندسی لشکر ۲۷/احمد حاجی خانی، جانشین فرمانده گردان میثم/اسید محمد ایبائولو، فرمانده گردان سلمان پارسی/اسماعیل خسروی، جانشین ستاد لشکر ۲۷/رجبعلی بکشلو، جانشین فرمانده گردان مقداد/علی جزمانی، فرمانده گردان مقداد/حاج منصورامینی، جانشین فرمانده گردان انصار/ابوالفضل محمدی، جانشین فرمانده گردان مالک/احمد خرمی شاد، جانشین فرمانده گردان عمار/فتح‌الله شاه آبادی فرهانی، جانشین فرمانده گردان کمیل اسید ابوالفضل کاظمی، جانشین فرمانده گردان میثم/

مجتبی نعمتی، جانشین فرمانده گردان ابودر/عباس کریمی، فرمانده لشکر ۲۷/محمد رضا امینی راد، جانشین فرمانده تبلیغات لشکر ۲۷/کاظم نجفی رستگار، فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهداء/منصور جلالی، فرمانده گردان کربلا/اسماعیل نیک صفت، جانشین فرمانده گردان امام حسین(ع)/علی اکبر توتونچی، جانشین گردان ضد زره لشکر ۲۷/و... که جمگی الگوی اخلاق و رفتار مسلمانی در جامعه بودند. برخی از این شهدا به دلیل موقعیت فرماندهی از شهرت بیشتری برخوردار شدند و نامشان بیش از سایر شهدا بر سر زبان‌ها افتاد. افرادی همچون:

■ **جاوید الاثر حمید باکری**
جاوید الاثر سردار حمید باکری، فرماندهی بود که از روزی که لباس رزم



بسیجی در جبهه

حضور داشته باشد و خواهان گمنامی بود. سرانجام نیز در عملیات کربلای ۵ پس از جانفشانی‌های بسیار گمنام به شرف شهادت نائل آمد و در کنار سایر فرماندهان به خاک سپرده شد. اصلاً دنبال شناخته شدن و شهرت نبود. به این اصل اعتقاد داشت که اگر واقعاً کاری را برای خدا بکنید، خودش عزیزت می‌کند. آخرش هم همین خصلتش باعث شد تا عکس شهادتش این‌طور معروف شود. همیشه وقتی می‌خواهند تصویری از شهید را به نمایش بگذارند، تصویر زیبای امیرحاج امینی با آن عروج ملکوتی و آرامش در چهره ولیخند ملایم و زیبا بیش از هر چیز جلوه گر می‌شود. دو عکس در تاریخ ۱۰ اسفند ماه ۱۳۶۵ و در کربلای شلمچه در جنوب کانال پرورش ماهی در لحظه به شهادت رسیدن او گرفته شده است که این دو عکس از جمله تأثیرگذارترین عکس‌های گرفته شده از شهدای دفاع مقدس است.

■ **شهید محمد ابراهیم همت اسطوره دوران**
سردار خبیر شهید محمد ابراهیم همت هم در غروب هفدهم اسفند ۱۳۶۲ در میانه عملیات پراز زخم و خون خیبر، آسمانی شد. جزایر مجنون هنوز هم بوی همت می‌دهند. خاک این خطه هنوز هم به یاد دارد روزهایی که سر همت رفت اما قولش نرفت. سال‌ها فرماندهی لشکر در کنار همه خوبی‌های شهید همت از او چهره‌ای یگانه ساخت چهره‌ای که پس از گذشت سال‌ها هنوز هم همت اسطوره دوران است.

■ **شهید عبدالحسین برونسی رهبر گردان‌های خط‌شکن**
بیست و سوم اسفند خاتره پر کشیدن سردار شهید عبدالحسین برونسی است. شهید برونسی با شروع عملیات‌های والفجر ۳ و ۴ با عنوان جبهه‌های تیپ‌۱۸ جوادالانمه در مراحل عملیات شرکت داشت و گردان‌های خط‌شکن را رهبری می‌کرد. در عملیات‌های خیبر، میمک و بدر هم فرماندهی تیپ را بر عهده داشت. یعنی‌ها دیگر برونسی را می‌شناختند و برای سرش جایزه تعیین کرده بودند. وی در بیست و سوم اسفند سال ۶۳ با په افلاک نهاد.

■ **شهید عباس کریمی همراهِ همیشه سردار جاوید الاثر حاج احمد متوسلین**
شهید عباس کریمی ابتدا مسئول اطلاعات عملیات تیپ محمد رسول‌الله و بعد فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول بود. سردار شهید عباس کریمی دوست و همراه سردار جاوید الاثر حاج احمد متوسلین سرانجام در ۲۴ اسفندماه سال ۶۳ با آب دجله وضو گرفت و نماز عشق را به قامت شهادت ایستاد.

■ **شهید مهدی باکری سردار بدر**
چند روز مانده به عید ۲۵- اسفند - سردار بدر، شهید مهدی باکری در بیست و پنجم اسفندماه سال ۶۳ آسمانی شد. مهدی باکری که یک سال از برادرش حمید بزرگتر بود، یک سال پس از برادر به شهادت رسید. او با تشکیل لشکر ۳۱ عاشورا فرماندهی این لشکر را به عهده گرفت و سرانجام در جزیره صندون در عملیات خیبر مجروح شد و هنگام بازگشت موشکی به فایق آنها اصابت کرد و پیکر مطهر او و همزمانش راهی دریا شد و همان طور که دوست می‌داشت بی‌و نشان ماند اما شناسنامه سرزمین خورشید شد.

■ **شهید سرفراز حاج حسین خرازی**
یکی از شهدای شاخص دوران دفاع مقدس، شهید حاج حسین خرازی فرمانده وقت لشکر امام حسین(ع) و فخر مردم اصفهان است. لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در طول جنگ در عملیات‌های طریق القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، والفجر ۴، بدر و والفجر ۸، حضوری مؤثر و فعال داشت. شهید خرازی در خلال عملیات خیبر در پی برخورد ترکش، دست راست خود را از دست داد ولی پس از مدتی به صحنه نبرد بازگشت و سرانجام در عملیات کربلای ۵ در شلمچه در روز هشتم اسفند ۱۳۶۵ به شهادت رسید.



سردار رحیم صوفوی شهید خرازی لباس پاسداری کمتر به تن می‌کرد، در جبهه اکثر لباس بسیجی می‌پوشید، شلوار بسیجی با اورکت معمولی. در زمان جنگ ما دونوع اورکت داشتیم. یک نوع اورکتی که خوب و شیک بود که معمولاً فرماندهان می‌پوشیدیم، یکی هم اورکت‌های معمولی که رزمندگان برتن داشتند. اورکت شهید خرازی از نوع اورکت‌هایی بود که بسیجی‌های خود می‌پوشیدند. عکس‌های آن هم هست، با شلوار ی ساده همچون سایر بسیجی‌ها. خود من اکثر لباس سبز پاسداری می‌پوشیدم، ولی ایشان لباس خاکی می‌پوشید. به اومی گفتم: «آقای خرازی شما چرا لباس پاسداری نمی‌پوشید؟» می‌گفت «می‌خواهم بسیجی‌ها نشانساند من فرمانده‌ام.» میان بسیجی‌ها می‌نشست، با بسیجی‌ها گفت و گومی کرد، نا‌هار می‌خورد، جارومی کشید، شوخی می‌کرد، بسیار هم شوخ‌طبع بود. با فرمانده محورش که اهل سمیرم بود، مصاحبه می‌کرد. فرمانده محورش می‌گفت: «تو که فرمانده لشکر نیستی، من فرمانده لشکر هستم، من در خط مقدم می‌جنگم،» می‌گفت: «خب تو هنوز از روستایت بیرون نیامدی باید بیایی در شهر اصفهان یک مقداری یاد بگیردی وضعیت جنگ را بفهمی بعداً!» مصاحبه‌اش موجود است. البته به صورت شوخی این حرف‌ها را می‌زدند. یعنی این نبود که فرماندهان ما انسان‌های خشن باشند، انسان‌ها بسیار شوخ‌طبع و خوبی بودند.

■ **نخوردورد حاج حسین خرازی به سپاه**

رحیم صوفوی در رابطه با نحوه ورود شهید خرازی به سپاه می‌گوید: «وقتی در بهمن ۵۷ کمیته دفاع شهری را در اصفهان راه اندازی کردیم، یکی دو هفته بعد ایشان به اتفاق دو نفر دیگر، آقایان: سیدعلی بنی‌لوحی و مسیح توانگری به کمیته دفاع شهری آمدند. شاید آقای علیرضا تمیزی هم بود. آن موقع من مسئول عملیات کمیته دفاع شهری بودم. بعد هم در سال ۱۳۵۸ مسئول عملیات سپاه پاسداران شدم. شورای فرماندهی ما با دوطلبان مصاحبه می‌کردند و گزینش می‌کردیم. من خودم با حسین خرازی مصاحبه کردم. گفتم: «برای چه می‌خواهی بیایی کمیته؟ برای

دفاع مردمی و نهضت فرهنگی



وچیدگیلیای نویسنده

امام خمینی(ره) در پیام به روحانیت در اسفند ۱۳۶۷ ضمن پاسخ به بعضی شبهات درباره جنگ با پرشمردن برکات آن مهم‌ترین دستاورد دفاع مقدس را «استمرار روح اسلام انقلابی» می‌داند.

به نظر می‌رسد یاد دفاع مقدس نیز باید همسوی با خود جنگ باشد و هدف و کارکرد اصلی آن «استمرار روح اسلام انقلابی» در جامعه در نظر گرفته شود. پیام شهدا، پیام امید و امتداد است: «و یستبشرون بالذین لم یلحقو بهم.» «نه پیام یأس و انزوا و گوشه‌نشینی و افسردگی: «الا خوف علیهم و لا هم یحزنون.» «به تعبیر قرآن، خوف و حزن، آسیب‌ها و تهدیدهای استمرار خط شهادت هستند. پیام شهدا عبور از ترس و غم‌هاست. کسانی که پیام شهدا را بدرستی دریاوند در زمره «لا یخشون احدا الا الله» و «لا یخافون لومة لائم» خواهند بود. آنها از محافظه‌کاری‌های قاعدان و مصلحت‌اندیشی‌های مرجفان عبور می‌کنند و برای تحقق آرمان‌های قرآنی با شور و امید حرکت خواهند کرد. شهدا یک خط قرمز خونین بین اسلام انقلابی و اسلام امریکایی ترسیم کردند. نمی‌توان از شاخص‌های اسلام انقلابی که در نگاه امام(ره) مهم‌ترین دستاورد دفاع مقدس است دور شد و ادعای پاسداری و نشر فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس را داشت. شهدای دفاع مقدس فقط مدافع «وجود» نظام نبودند بلکه همزمان «ماهیت» نظام اسلامی و انقلابی را نیز پاسداری می‌کردند. شهدا جان خود را هم برای وجود و هم برای ماهیت نظام فدا کردند. هر حرکتی درباره دفاع مقدس علاوه بر اینکه باید مخاطبان را برای دفاع از اصل نظام آماده کند باید تقویت‌کننده ماهیت نظام اسلامی نیز باشد. شهادت در عرض دیگر ارزش‌های اخلاقی اعتقادی اسلام نیست، بلکه در طول آن است و بسیاری از دیگر ارزش‌ها در آن منطوقی است. ارزش‌هایی چون زهد، ایثار، تعاون، جهاد، صبر، توکل، نوع دوستی، عدالت خواهی و... شهدا را باید با همه ارزش‌هایشان مطرح کرد. آنها صرفاً در مرگ خود شهید نیستند بلکه نوعاً در حیاتشان نیز شهیدند. از شهدا هم خوب مردن و هم خوب زندگی کردن را باید آموخت. همان‌طور که در زمان جنگ، جمع بین جهاد و حضور در جبهه با بسیاری از ذرایل و ضد ارزش‌ها ممکن نبود و حضور در خطوط نبرد به معنای تنزه از بسیاری آلودگی‌ها بود امروز نیز پاسداشت دفاع مقدس نباید با هیچ ناهنجاری و ضد ارزشی همچون خودنمایی، اسراف، تجمل، ویژه‌خواری و... جمع شود.

حفظ و بهره‌برداری از گنج دفاع مقدس همچون خود جنگ نیازمند حضور گسترده مردمی است. با چند مرکز و بنیاد و سازمان دولتی هر چند عریض و طویل نمی‌توان گنج عظیم جنگ را کشف و این سرمایه را نقد کرد. دفتر هنر و ادبیات مقاومت حوزه هنری پس از ۱۸ سال کار پیگیر و مخلصانه حدود ۶۰۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. برخی از این آثار نیز همیشگی دارند و یک ماجرا را از چند زاویه روایت کرده‌اند. مجموعه آثار منتشر شده درباره دفاع مقدس ۱۸ سال پس از پایان جنگ به ۶۰۰ عنوان نمی‌رسد. این در حالی است که بیش از ۲۰۰ هزار شهید داریم که اگر برای هر ۱۰ نفرشان یک کتاب منتشر شود ۲۰ هزار عنوان کتاب لازم است. صدها هزار رزمنده دیگر هم داریم که هنوز خاطرات و روایاتشان از دفاع مقدس در سینه‌ها مانده و فرصتی برای ثبت و نشر و انتقال آن به نسل‌های بعدی فراهم نیامده است. علاوه کنبر اینها میلیون‌ها ایرانی دیگری را که در پشت جبهه، دل در گرو رزمندگان داشته و از فرار و فرودهای جنگ متأثر شده‌اند. به نظر می‌رسد با گذشت ۱۸ سال از پایان جنگ و مشخص شدن محدودیت ظرفیت دستگاه‌های دولتی برای حفظ این گنج نیازمند نهضت گسترده فرهنگی هستیم. صدها بلکه هزاران «دفتر هنر و ادبیات مقاومت» مردمی می‌توانند شکل بگیرد که به شکلی بسیجی و خودکفا این نیاز را برطرف کند. شاید فایده مهمتر این نهضت فرهنگی، فعال سازی بسیاری از نیروها و امکانات پراکنده باشد که در فقدان استراتژیک و برنامه فرهنگی مشخص هدر می‌شوند یا هرزی روند. این نهضت فرایگر فرهنگی می‌تواند با محوریت مساجد که کانون تجهیز و اعزام نیرو به جبهه بودند شکل بگیرد و البته در مدارس و دانشگاه‌ها و صنف‌ها و... هم امتداد یابد و جان جدیدی در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی بدمد. نسل‌های جدید هر مسجد می‌توانند به گردآوری و ثبت خاطرات شهدا، رزمندگان و ایثارگران آن در دوره دفاع مقدس بپردازند. این فرصت با توجه به رویش‌های وسیع این جبهه امروز بیشتر از یکی دو دهه گذشته فراهم است. گام بعدی می‌تواند شکل‌گیری موج دوم این نهضت در تبدیل مستندات و خاطرات به آثار هنری و رسانه‌ای باشد. از دل این نهضت در میان مدت، ده‌ها داستان، شعر، نمایشنامه، فیلمنامه، مجله، کلیپ، سرود و... خواهد جوئشید و نیروهای جدید بسیاری نیز تربیت خواهند شد.

یادداشت